Your English Toolbox

VOCABULARY · EPISODE 250

Why Do Onions Make Us Cry? | Curious English

English learning resource · FA

Key words & expressions · English + Persian

8 learning entries

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

1

chop

خرد کردن · ریز کردن · قطعه‌قطعه کردن

DEF

to cut food into small pieces with a knife

to cut something, such as wood, with quick, heavy strokes

Chop is rougher and less exact than slice. We chop onions, garlic, herbs, nuts and wood. 'Chop up' stresses that the pieces are small.

FA

بریدن غذا یا چیزهای دیگر با چاقو یا تبر به تکه‌های کوچک.

برشی نسبتا درشت و نه‌چندان یکنواخت است، برخلاف slice که برش نازک و منظم است؛ برای پیاز، سیر، سبزی و هیزم رایج است.

Could you chop the garlic while I heat the oil?

می‌شود سیر را خرد کنی تا من روغن را گرم کنم؟

He chopped the old branch into small pieces for the fire.

او شاخه کهنه را برای آتش به تکه‌های کوچک خرد کرد.

2

irritate

تحریک کردن · آزار دادن · کلافه کردن

DEF

to make a part of the body sore, red or uncomfortable

to make someone a little angry or impatient

For eyes and skin the meaning is physical. For people it is milder than 'enrage'. Related words: irritated (how you feel), irritating (what causes it), irritation (the noun).

FA

باعث سوزش، قرمزی یا ناراحتی در بخشی از بدن شدن؛ همچنین کمی عصبانی یا بی‌حوصله کردن کسی.

درباره چشم و پوست یعنی تحریک جسمی؛ درباره آدم‌ها از «خشمگین کردن» ملایم‌تر است.

Strong perfume can irritate your nose and throat.

عطر تند می‌تواند بینی و گلوی تو را تحریک کند.

It irritates me when people talk during a film.

وقتی مردم وسط فیلم حرف می‌زنند کلافه‌ام می‌کنند.

3

watery eyes

اشک‌آلود شدن چشم · چشم‌های اشک‌آلود · اشک افتادن چشم

DEF

Eyes that contain or produce a noticeable amount of tears, often because of irritation.

Watery eyes often describes a physical reaction to wind, smoke or an allergy; it does not by itself tell you how someone feels.

FA

چشم‌هایی که مقدار قابل‌توجهی اشک دارند یا تولید می‌کنند، اغلب به‌دلیل تحریک.

این عبارت اغلب واکنش جسمی به باد، دود یا حساسیت را توصیف می‌کند و به‌تنهایی احساس فرد را نشان نمی‌دهد.

The cold wind gave me watery eyes on the way to work.

باد سرد در راه کار چشم‌هایم را اشک‌آلود کرد.

The smoke from the barbecue gave everyone watery eyes.

دود کباب همه ما را به اشک انداخت.

4

tear

اشک · پاره کردن · جر دادن

DEF

(noun, sounds like 'ear') a drop of liquid that comes from the eye

(verb, sounds like 'bear') to pull something apart into pieces; irregular: tear, tore, torn

Same spelling, two pronunciations and two meanings. The eye-drop tear rhymes with 'ear'; the verb tear rhymes with 'bear'. The sentence tells you which one it is.

FA

Tear (مثل «ear»): قطره اشک. Tear (مثل «bear»): چیزی را پاره کردن یا تکه‌تکه کردن؛ فعل بی‌قاعده: tear, tore, torn.

املا یکی است، اما دو تلفظ و دو معنا دارد؛ از روی جمله می‌فهمی کدام مراد است. هنگام بلند خواندن زیاد اشتباه می‌شود.

A single tear ran down her cheek.

یک قطره اشک روی گونه‌اش لغزید.

Be careful not to tear your sleeve on that nail.

مراقب باش آستینت به آن میخ گیر نکند و پاره نشود.

5

chain of reactions

زنجیره‌ای از واکنش‌ها · واکنش زنجیره‌ای

DEF

a series of events or chemical changes in which each one causes the next

Common in science, but also in everyday talk ('a chain of events'). A chain reaction is a close phrase for a process that keeps causing more of itself.

FA

رشته‌ای از رویدادها یا تغییرات شیمیایی که هر کدام باعث بعدی می‌شود.

«واکنش زنجیره‌ای» (chain reaction) عبارتی نزدیک و رایج است؛ اما chain of reactions فقط ترتیب مرحله‌ها را نام می‌برد.

The first mistake started a chain of reactions that delayed the whole project.

اشتباه اول زنجیره‌ای از واکنش‌ها را به راه انداخت که کل پروژه را عقب انداخت.

In the cell, one signal can set off a chain of reactions.

در سلول، یک سیگنال می‌تواند زنجیره‌ای از واکنش‌ها را آغاز کند.

6

enzyme

آنزیم

DEF

a protein made by living things that helps a chemical reaction happen

Pronounced EN-zyme. Each enzyme usually works on one kind of substance. You meet the word in talk about digestion, cooking and cleaning products.

FA

پروتئینی که موجودات زنده می‌سازند و به انجام شدن یک واکنش شیمیایی کمک می‌کند.

هر آنزیم معمولا روی یک نوع ماده کار می‌کند. در انگلیسی تکیه روی هجای اول است: EN-zyme.

Enzymes in your saliva start to break down food in your mouth.

آنزیم‌های بزاق شروع می‌کنند به تجزیه غذا در دهان.

Washing powders with enzymes can remove food stains.

پودرهای شوینده‌ای که آنزیم دارند می‌توانند لکه‌های غذا را پاک کنند.

7

prediction

پیش‌بینی

DEF

a statement about what you think will happen in the future

We make, give or check a prediction. Unlike a fact, it can be wrong; a prediction based on evidence is stronger than a simple guess.

FA

گفته‌ای درباره آنچه فکر می‌کنی در آینده اتفاق می‌افتد.

در انگلیسی می‌گویند make a prediction و بعد آن را بررسی می‌کنند. برخلاف واقعیت ممکن است اشتباه باشد، اما پیش‌بینی مبتنی بر شواهد از حدس ساده قوی‌تر است.

My prediction is that the train will be late again.

پیش‌بینی من این است که قطار دوباره دیر می‌رسد.

The weather prediction said rain, but it was sunny.

پیش‌بینی هوا باران گفته بود، اما هوا آفتابی بود.

8

damage

آسیب زدن · خراب کردن · صدمه زدن

DEF

(verb) to harm something so that it is less good, useful or healthy
(noun) harm caused to something

As a verb it takes an object ('damage the cells'). As a noun it is uncountable: 'a lot of damage', not 'damages'. 'Damages' is a legal word for money paid as compensation.

FA

به چیزی ضرر رساندن، طوری که بدتر، کم‌فایده‌تر یا کم‌سلامت‌تر شود. به‌عنوان اسم: آسیب یا خسارت واردشده به چیزی.

به‌عنوان اسم در انگلیسی شمارش‌ناپذیر است: «a lot of damage»، نه «damages» (که اصطلاحی حقوقی برای غرامت است).

The storm damaged several roofs in the village.

طوفان به چند بام در روستا آسیب زد.

Too much sun can damage your skin.

آفتاب زیاد می‌تواند به پوست آسیب بزند.